

نقش صنایع تبدیلی در توسعه کشاورزی و روستایی استان سیستان و بلوچستان

جعفر زربافتی، عبدالعلی میرفتح الهی*

چکیده

فقر گسترده، رشد زیاد جمعیت و سکونت حدود پنجاه درصد از جمعیت استان در مناطق روستایی و عدم امکان نگهداشت جمعیت رو به رشد با اتکاء به توانهای بخش کشاورزی، ما را بر آن می دارد که به احداث و گسترش صنایع در روستاها به عنوان یک فعالیت اشتغالزا و نسبتاً کم هزینه توجه کنیم .

اگر چه روستا و زندگی روستایی با فعالیتهای کشاورزی عجین شده است و کشاورزی نقش اصلی را در فعالیتهای توسعه روستایی دارد اما در سه دهه گذشته در خیلی از کشورهای آسیایی بویژه چین و هندوستان و در دو دهه اخیر در کشور ما ایران ، فعالیتهای اشتغالزای خارج از مزرعه به عنوان فرصتهای تکمیل اشتغال ، تولید و افزایش در آمد خانوار روستایی مورد توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان قرار گرفته است .

صنایع و تجهیزات مرتبط با بخش کشاورزی نقش مهمی در توسعه این بخش و نیز توسعه روستایی ایفا می کند ، تجهیزات و ماشین آلات کشاورزی سبب افزایش بهره وری و بالا رفتن راندمان تولید در مراحل مختلف کاشت ، داشت و برداشت شده و به میزان قابل توجهی سطح تولیدات کشاورزی را افزایش می دهد . از سوی دیگر صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی با هدف جلوگیری از ضایعات و افزایش ارزش افزوده ، سهم مهمی در رشد اقتصادی این بخش را دارا می باشد .

پائین بودن میزان عملکرد در واحد سطح و بالا بودن میزان ضایعات محصولات کشاورزی و مواد غذایی ، زمینه واردات محصولات غذایی را افزایش داده و سبب کاهش امنیت غذایی در کشور می شود .

صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی نقش اساسی را در فرآیند توسعه کشاورزی و روستایی ایفاء می کند زیرا صنایع مذکور به صورت بالقوه دارای خصوصیات زیر می باشند :

الف) تسهیل کننده و ارتقاءدهنده فعالیتهای بخش کشاورزی و توان صنعت ملی کشور را افزایش می دهد .

ب) با افزایش بهره وری تولید باعث ارتقاء در آمد خانوارهای کم در آمد روستایی می شود .

ج) از طریق ایجاد فرصتهای تکمیلی در کنار فعالیتهای « درون مزرعه » زمینه ساز اشتغال نوین در مناطق روستایی می گردد .

د) به کاهش ریسک و ایجاد توازن در چرخه در آمد خانوارهای روستایی کمک نموده و به درآمدهای آنان تنوع و پایداری می بخشد .

ه) با تمرکز زدایی از ایجاد صنایع در حوالی مناطق مرکزی و شهری به کاهش تخریب محیط زیست کمک قابل ملاحظه ای می نماید .

در قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران در بند «هـ» ماده 18 به این موضوع اهمیت خاصی داده شده است. در این ماه اشاره شده که با ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی به دو برابر وضع موجود ، زمینه کاهش ، ضایعات به نصف فراهم گردد .

در این مقاله با مقایسه صنایع ایجاد شده در روستاهای استان سیستان و بلوچستان به این نتیجه رسیده ایم که صنایعی که مواد اولیه آنها به محصولات کشاورزی وابسته است موفقیت بیشتری نسبت به سایر صنایع روستایی دارند و همچنین درصد مجوزهای به بهره برداری رسیده در نواحی صنعتی ایجاد شده در قطبهای کشاورزی و شیلاتی بیشتر از مجوزهای به بهره برداری رسیده در خارج از این نواحی می باشد .

ویژگیهای جغرافیایی استان :

* به ترتیب کارشناس ارشد سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان و کارشناس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان با مساحت 187502 کیلو متر مربع اولین استان پهناور کشور بوده و بیش از 11/4 درصد از مساحت کشور را شامل می‌گردد. این استان با دارا بودن 300 کیلو متر مرز آبی با دریای عمان و 1100 کیلو متر مرز مشترک با کشورهای افغانستان و پاکستان دارای موقعیت بسیار مناسبی میباشد. پهنه آن از دریاچه فیروز فام هامون در سیستان تا بحر نیلگون دریای عمان گسترده است.

طبق آخرین تقسیمات کشوری استان دارای 8 شهرستان، 30 شهر، 32 بخش و 94 دهستان و 6038 پارچه آبادی میباشد. جمعیت استان طبق سرشماری سال 1375، 1723 هزار نفر بوده و با احتساب نرخ رشد سالیانه 3/24 درصد به 2086 هزار نفر در سال 81 افزایش یافته است که 46 درصد آن در نقاط شهری و 54 درصد آن در نقاط روستایی و غیر ساکن میباشند. تراکم نسبی جمعیت در استان 9/1 نفر در کیلو متر مربع میباشد.

این استان به لحاظ اقلیمی در ناحیه بیابانی قرار دارد و با توجه به پائین بودن میزان نزولات جوی، بخش وسیعی از استان با محدودیت منابع آبی مواجه میباشد و خشک سالی های متوالی نیز موجب کاهش شدید منابع آبهای زیر زمینی شده و خسارات عمده ای به کشاورزی منطقه تحمیل شده است، کاهش سطح زیر کشت محصولات، از بین رفتن پوشش گیاهی، کاهش واحد دامی و تولیدات دام، نبود صید در دریاچه هامون و... همه و همه از پیامدهای خشک سالی های متوالی است که زندگی را برای روستائینان طاقت فرسا نموده است.

صنایع روستایی :

[صنایع روستایی آن دسته از صنایع هستند که در خدمت کشاورزی و احتیاجات روستاها باشد. در آمد روستائیان را افزایش داده، حجم تولید روستا را گسترش دهد، نیازهای صنعتی روستا را تامین نموده، اوقات فراغت و بیکاری را پر نماید و به تولید ناخالص ملی کشور بیفزاید و نهایتاً باعث جلوگیری معقول از مهاجرت نیروی فعال روستابه حاشیه شهرها شود.] (2)

«صنایعی که فرآورده های کشاورزی و دامی را به مواد و کالای نیمه ساخته و یا آماده مصرف تبدیل می کنند صنایع تبدیلی (مصرفی) نامیده می شوند، صنایع تبدیلی به مرور به صنایع ماشینی تبدیل می شوند که علت آن علاوه بر بالا بودن بازده کار ماشین ها و کارگران ماهر، بالا رفتن سطح انتظارات و بهتر شدن سلیقه عامه مردم در انتخاب مواد غذایی و کالاهای مصرفی است» (3)

[صنایع روستایی به ساخته های اتلاق می شود که پاسخگویی نیاز زندگی روستایی است و آن را به صنایع تبدیلی، صنایع دستی و صنایع کوچک روستایی تقسیم کرده و آن را با سه ویژگی تعریف کرده اند :

- صنایع تبدیلی که ارتباط مستقیم به فرآورده های کشاورزی دارند.
- صنایع دستی که از دیر باز در گوشه و کنار روستاها وجود داشته و بدون استفاده از ماشین تولید می شوند.
- صنایع کوچک روستایی که در خدمت کار کشاورزی و احتیاجات روستا بوده و مکمل و زمینه ساز خود کفایی در روستا هستند] (1)

صنایع تبدیلی :

بر اساس تعریف، صنایع تبدیلی (تکمیلی) به صنایعی گفته می شود که ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با زیر بخشهای مختلف کشاورزی داشته باشد. به عبارتی صنایع تبدیلی شق دیگری از صنایع روستایی می باشد، که این صنایع متکی بر انواع فرآورده ها و محصولات تولیدی در روستا می باشد. هر فرآورده یا محصول کشاورزی و دامی به عنوان ماده اولیه در جریان فرآیند تولیدات تبدیلی به مصرف می رسد. این گونه صنایع به سرمایه گذارهایی چندانی نیاز ندارند و میتوانند سرمایه های اندک محلی را جذب نمایند. از جمله صنایع تبدیلی در روستا می توان به صنایع لبنیات سازی، رب گوجه فرنگی و تهیه خشکبار اشاره نمود.

□ صنایعی که فرآورده های کشاورزی و دامی را تبدیل به مواد و کالای نیمه ساخته و یا آماده مصرف می سازد صنایع تبدیلی می نامند . (4)

ماهیت وجودی روستا به کشاورزی بستگی دارد . پس این صنایع هم عموماً مرتبط با کشاورزی هستند . یا مواد اولیه شان را از کشاورزی میگیرند یا به بخش کشاورزی ارائه خدمات می کنند . از طرف دیگر ابزار و وسائل و تجهیزات این صنایع را بخش صنعت تامین می کند و در مقابل تولیدات این صنایع به عنوان مواد واسطه ای در صنایع مصرفی مورد استفاده قرار می گیرد .

صنایع و حرفه های فرآوری کشاورزی یا مرتبط با آن می توانند کوچک مقیاس و نتیجتاً سازگار با قابلیت های موجود در روستا در زمینه کار و سرمایه باشند پس صنایع روستایی از نوع صنایع کوچک مقیاس هستند .

مرور اهداف توسعه روستایی این نتیجه را بدست میدهد که صنعتی کردن روستا از طریق توسعه صنایع روستایی و تبدیلی کشاورزی محقق میگردد . به عبارت دیگر وقتی اهداف چند بعدی نظیر افزایش اشتغال ، رشد و ارتقاء تولیدات کشاورزی ، افزایش در آمد و ... مد نظر باشد توسل به صنعتی شدن موثرترین راه بنظر می رسد . بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که ایجاد و توسعه صنایع روستایی یکی از مهمترین ابزارهای تحقق توسعه روستایی است . مشروط بر اینکه استقرار صنایع کاملاً حساب شده و دقیق و همراه با دیگر الزاماتی باشد که به صنعتی شدن روستا و نهایتاً توسعه روستایی و کشاورزی بیانجامد . به این ترتیب بخش عمده ای از اهداف توسعه روستایی و کشاورزی متوجه صنایع روستایی و بطور خاص صنایع تبدیلی کشاورزی میگردد که می تواند به دو گروه اصلی و تبعی تقسیم شود .

الف - اهداف اصلی

1- الف : ایجاد فرصت های اشتغال

کشاورزی وجه غالب تولیدات روستایی را تشکیل می دهد و معمولاً بیش از 70 درصد جمعیت فعال روستا ها بدان اشتغال دارند . این بخش تابع عوامل مختلفی منجمله زمین قابل کشت ، آب ، شرایط اقلیمی و سایر نهاده ها می باشد . دو عامل اصلی یعنی آب و زمین از جمله عوامل محدود و نسبتاً ثابتی هستند که در بلند مدت توانایی جذب نیروی کار متناسب با افزایش جمعیت را ندارند ، ضمن اینکه این فعالیت در اکثر مناطق در تمام طول سال جریان ندارد و بهبود روش های کشت و افزایش مکانیزاسیون نیز چشم اندازی از افزایش پتانسیل بکار گیری نیروی کار را ارائه نمی کند . بنابراین بهره گیری کامل از ظرفیت بالقوه اشتغال در بخش های غیر کشاورزی یکی از اهداف توسعه صنایع روستایی است . چون در این صنایع واحدها از نوع کوچک مقیاس بوده و با سرمایه اندک و تکنولوژی ساده قادر به راه اندازی هستند و ضرورتاً در پیوند با بخش کشاورزی می باشند ، مواد اولیه آنها در محل تامین می شود ، بازار مصرف منطقه ای و داخلی دارند و مهمتر اینکه پروسه ایجاد و بهره برداری آن کوتاه است . ایجاد و توسعه آنها می تواند سهم به سزایی در ایجاد اشتغال ، به ویژه برای تحصیل کردگان روستا ، داشته باشد .

این صنایع با فعالیت در زمینه های فرآوری محصولات کشاورزی نظیر بسته بندی و عمل آوری تولیدات زراعی ، دامی و شیلاتی ، انبارداری ، انبارداری ، ایجاد شبکه های تعمیر و نگهداری ماشین آلات کشاورزی ، حمل و نقل و توزیع انواع خدمات پیش و پس از برداشت محصول ، بازار یابی و ... مشاغل جدیدی ایجاد خواهد کرد و زمینه را برای داد و ستد و فرآورده های نیمه ساخته یا آماده مصرف کشاورزی و دامی فراهم خواهد ساخت .

این نکته را نباید از نظر دور داشت که معمولاً مکانیزم ایجاد اشتغال در صنایع تبدیلی تقریباً دو مرحله ای است . در مرحله اول با توجه به اینکه کشاورزی بایستی با استفاده از تکنیک های مختلف توسعه کمی و کیفی پیدا کند ، اشتغال نسبتاً محدودی در شبکه های خدمت رسانی و تعمیرات ، حمل و نقل و مواردی از این قبیل ایجاد میشود . ضمن اینکه افزایش محصول و ایجاد تنوع در کشت و نیاز به برداشت آن ، سبب اشتغال مضاعف زارعین میگردد . در مرحله

دوم و با به بار نشستن توسعه کشاورزی احداث صنایع روستایی و روند ایجاد اشتغال شتاب میگیرد .

صنایع تبدیلی از یکی از انواع صنایع روستایی است که میتواند به افزایش اشتغال روستایی کمک نماید . این حرفه چون زمینه روستایی دارد و اکثر روستائیان به شکل سنتی با روشهای تولید آن آشنا می باشند . هر چند ایجاد نوآوری در روشهای تولید برخی از انواع آن کاملاً ضروری است - زمان ، امکانات و هزینه کمتری را طلب میکند . ضمن اینکه به واسطه عدم نیاز به توالی مراحل تولید از این مزیت برخوردار است که میتواند از نیروی بیکاران فصلی بخش کشاورزی و زنان روستایی نیز استفاده نماید .

2- الف : تقویت و توسعه بنیان های تولید کشاورزی

با توجه به پائین بودن بازدهی بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه ، شاغلین بخش بویژه جوانان و کسانانی که دارای اندک تحصیلاتی می باشند . انگیزه ای برای ماندن در روستا و اشتغال در بخش کشاورزی ندارند . صنایع تبدیلی با فرآوری محصولات کشاورزی می تواند بخشی از ارزش افزوده حاصل از این بخش را به خود روستا منتقل و با افزایش در آمد ، مقدمات بهبود روش های تولید را از طریق تهیه ماشین آلات و ابزار و لوازم کشاورزی فراهم آورد .

به عبارت دیگر اگر صنایع تبدیلی را عامل مهمی در تحقق توسعه روستایی به حساب آوریم ، کشاورزی نقش اصلی را در ایجاد و توسعه این صنایع ایفا میکند . بنابراین پیش فرض توسعه صنایع وجود ظرفیتهای بالقوه بخش کشاورزی است . در حقیقت رابطه صنایع تبدیلی و کشاورزی یک رابطه مکمل و رو به رشد است . زمینه شکل گیری و رشد قسمت عمده ای از صنایع روستایی بستگی به وجود محصولات کشاورزی دارد . با استفاده از مواد اولیه کشاورزی ، ضمن کمک به گسترش و توسعه صنایع روستایی ، تقویت پایداری و ارتقاء بخش کشاورزی را سبب می شود . صنعتی کردن روستا توسعه کشاورزی را تشدید می کند و توسعه کشاورزی نیز صنایع روستایی را گسترش خواهد داد که این هر دو به تقویت پایه های اقتصادی روستا و ارتقاء جامعه روستایی خواهد انجامید .

3- الف : افزایش در آمد روستائیان و کمک به ایجاد تعادل بین شهر و روستا

یکی دیگر از اهداف توسعه صنایع تبدیلی کمک به افزایش در آمد روستائیان است . اختلاف فاحش در آمد بین مناطق شهری و روستایی همواره یکی از مشکلات کشورهای در حال توسعه بوده و هست و یکی از دلایل عمده مهاجرت روستائیان به شهرها ، بویژه شهرهای بزرگ ، ایجاد پدیده حاشیه نشینی و بروز انواع معضلات اجتماعی ، فرهنگی و ... به حساب می آید .

توسعه صنایع تبدیلی از یک طرف ، به ایجاد در آمد برای بخشی از نیروهای مازاد کشاورزی و نیروهای فعال ، از نظر اقتصادی ، نظیر زنان ، می انجامد و از طرف دیگر با افزایش انگیزه رونق در بخش کشاورزی سبب افزایش در آمد زارعین نیز میگردد . افزایش در آمد خانوارهای روستایی ضمن اینکه به انباشت سرمایه و بکار گیری آن در زمینه های عمران و نوسازی روستا کمک میکند ، امکان بهره مندی از انواع خدمات تامین اجتماعی (بیمه درمان و بازنشستگی) و فرهنگی و ... را که ، با در آمد بیشتر قابل دسترسی است فراهم می آورد و از این طریق به کاهش فاصله در آمدی و ایجاد تعادل بین شهر و روستا کمک می کند .

ب : اهداف تبعی

1- ب : ارتقاء سطح آگاهی عمومی و فنی

تکنولوژی جدید همواره تغییراتی را در شرایط اجتماعی و اقتصادی تولید بوجود می آورد . هر تغییری که در روش های متداول انجام کار صورت پذیرد ، نیاز به یک زمان تعدیل

و یا تنظیم دارد و جامعه نیز پس از مدتی خواه نا خواه سیستم اجتماعی خود را دوباره ، با توجه به شرایط جدید سامان می دهد تا با این تغییرات همگام شود .

استقرار صنعت در روستاها ، بهبود روشهای سنتی و یا بکار گیری روشهای جدید تولید را به همراه دارد . این رویه که با انجام آموزش هایی برای دست اندرکاران صنایع روستایی نیز همراه است ، به ایجاد آگاهی فنی و هموار نمودن زمینه بروز خلاقیت ها می انجامد . این آگاهی به سایر عرصه های زندگی روستائیان منتقل شده و در بلند مدت به افزایش سطح دانش و شعور اجتماعی آنان می انجامد .

2- ب : پیوند با بخش صنعت و کمک به تولیدات صنعتی به ویژه در زمینه کالاهای مصرفی در صورتی که احداث صنایع کوچک در پیوند با صنایع بزرگ بنیان گذاشته شود ، تولید بخشی از کالاهای مصرفی ، بویژه در گروه مواد غذایی و آشامیدنی ، توسط صنایع روستایی ، تأمین می شود . ضمن اینکه به سیاست عدم تمرکز در فعالیتهای صنعتی ، که مانع استفاده بی رویه و همچنین تراکم امکانات در مناطقی خاص منجر میگردد ، یاری می رساند .

3- ب : جلوگیری از اتلاف محصولات کشاورزی و کمک به کاهش سلطه واسطه ها در اکثر کشورها وسعت سر زمین و فاصله زیاد روستاها از یکدیگر و مراکز مصرف و پائین بودن قیمت سر خرمن تولیدات به دلیل سلطه واسطه ها بر بازار و نیز کمبود یا فقدان راه های مناسب و وسایل حمل و نقل امکان رساندن فوری همه فر آورده های کشاورزی و دامی مانند میوه ، صیفی و فر آورده های لبنی به مراکز فروش وجود ندارد . بر پائنی صنایعی در جوار مناطق کشاورزی برای تبدیل مواد غذایی فاسد شدنی به مواد ماندنی ، با استفاده از روشهایی نظیر کنسرو کردن ، خشک کردن و یا تبدیل به انواع کنسانتره و ... مدت نگهداری فرآورده های غذایی را طولانی تر می گرداند و رساندن آنها را به بازار مصرف امکان پذیر می سازد و از ضایعاتی که معمولاً در اثر حمل میوه و صیفی تازه پیش می آید می کاهد .

4- ب : بهینه شدن استفاده از سرمایه گذاری های انجام شده در زیر ساخت های روستا لازم است احداث صنایع تبدیلی وجود امکانات زیر بنایی و خدماتی نظیر برق ، راه ، مخابرات و نیز مراکز آموزشی ، بهداشتی و ... در مناطق روستایی است . در موارد بسیاری نیز دولت ها براساس اهداف قانونی و برنامه ای خود مبنی بر توزیع متعادل امکانات در میان جوامع شهری و روستایی اقدام به احداث اینگونه تاسیسات می کنند . ایجاد صنایع ، که یکی از تبعات آن کاهش میزان مهاجرت به شهرها است ، بازدهی استفاده از این امکانات را افزایش می دهد .

ج : سیاست های توسعه صنایع تبدیلی

به منظور تحقق اهداف توسعه روستایی و کشاورزی بطور عام و توسعه صنایع تبدیلی بطور خاص سیاستها به مثابه ابزارهایی هستند که از طریق آن میتوان اهداف مربوط به ایجاد و توسعه صنایع را تسریع و محقق گردانید . اما برای اینکه این ابزار ها کار آمدي لازم را داشته باشند بایستی بسترهای مناسبی برای بکار گیری آنها وجود داشته باشد .

یکی از موارد عدم موفقیت ، اصلی بودن نقش دولت و در حاشیه قرار گرفتن مردم ، به ویژه ساکنین روستاها میباشد . بطور معمول ایجاد و گسترش صنایع در روستاها همواره با اتخاذ سیاست هایی همراه بوده است که دولت نقش اساسی را در آن داشته و تمام وظایف و یا اعمالی که به ایجاد صنایع روستایی منجر می گردد به عهده دولت گذاشته شده است و نقش نهادهای مردمی در ایجاد انگیزه تحول در زندگی مردم روستایی به فراموشی سپرده شده و یا محلی از اعراب نداشته است . امروزه ثابت شده است که مشارکت مردم از طریق نهادهای مدنی ، که نوعی دخالت در فرایند تصمیم گیری و اجرای طرح ها می باشد ، سبب می شود که آنها مسئولیت بیشتری را در تشخیص اولویت های تولیدی و بسیج منابع محلی و پیشنهاد راه حل های جدید برای موفقیت در عرصه توسعه صنایع تبدیلی به عهده گیرند و به این ترتیب تحقق

سیاست ها تا حدود زیادی تضمین گردد . بنابراین یکی از بسترهایی که میتواند به افزایش کارایی سیاست های توسعه صنایع روستایی بیانجامد مشارکت مردم ، به ویژه مردم روستایی است .

مشارکت در تغییر شرایط زندگی و یا به عبارت دیگر ایجاد انگیزه مشارکت افراد در بهبود شرایط زندگی شان بستگی مستقیم با شرایط محیطی افراد دارد . یکی از عواملی که میتواند در ایجاد انگیزه موثر باشد توسعه نظام آموزشی و تربیتی و ایجاد نهادهای مدنی برای آشنایی افراد با نحوه مشارکت برای اداره محیط زندگی و ارتقاء شرایط کاری است . زیرا مشارکت روستائیان خود به خود عملی نمی شود . بلکه از طریق نهادها و عضویت روستائیان در این نهادها زمینه اش فراهم می گردد .

ساختار های سازمانی رسمی ، نظیر اتحادیه های روستایی و تعاونی ها ، در زمره اولین ساختارهای مشارکتی در مناطق روستایی هستند که زمینه های تجربی را برای درک اهمیت مشارکت بوجود آورده اند ، هر چند که در ناکافی بودن این سازمان ها و مدیریت اعمال شده بر آنها هیچ تردید وجود ندارد . تلاش برای سازمان یافتن روستائیان و حتی برخی اقشار شهری ، برای کمک به توسعه روستایی در سازمان های مردمی ، متناسب با اهداف توسعه روستایی ، صنفی ، تولیدی ، فرهنگی و ... ضمن افزایش توان حرفه ای روستائیان دولت ها را در جهت اجرای غیر متمرکز برنامه هایشان ، یعنی رایزنی با گروه های بهره بردار در تصمیم گیری ها ، راه های کسب در آمد و تخصیص مناسب منابع و مراحل مختلف اجرا ، نظارت و ارزشیابی طرح ها ، یاری می رساند و از این طریق یک رابطه متقابل بین کسانی که توسعه می یابند و ابزارهای توسعه ، ایجاد شده و به ارتقاء و تدوام آن کمک می کند .

عامل دیگری که میتواند به تحقق سیاست های توسعه صنایع تبدیلی کمک کند تاکید بر شناخت امکانات بالفعل و بالقوه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی روستاها و مناطق همجوار است . احداث صنایع تبدیلی بر مبنای این ضرورت صورت می گیرد که با استفاده از منابع و امکانات محلی ، ارزش افزوده ای ایجاد گردد و مازاد آن وارد چرخه تولیدی همان منطقه شده و بهبود زندگی روستائیان را در همه عرصه ها فراهم نماید .

راهکارهای توسعه صنایع تبدیلی که با استفاده از تجارب عملی در کشورهای مختلف بدست آمده است در قالب محورهای زیر قابل ارائه است :

1- ج : تاکید بر استفاده از تکنولوژی های ساده و منطبق با ویژگی های هر منطقه طبق تعریف ، تکنولوژی مناسب روستایی عبارتست از اینکه بیشترین امکان بهره گیری از منابع محلی را تامین نماید ، در اهداف توسعه اقتصادی - اجتماعی سهیم باشد ، با ساخت اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی منطبق بوده و موجب حفظ منابع اکولوژیکی منطقه گردد . بنابراین ، ویژگی محصولات قابل تولید در واحدهای صنایع روستایی از یک طرف ، پائین بودن میزان مهارت و تخصص در روستا از طرف دیگر ، استفاده از تکنولوژی ساده را ضروری می سازد . مشخصات دقیق تر و همچنین روند تغییر و آینده آن بر بستر سیاست های تکنولوژی ، در بخش صنعت صورت خواهد گرفت .

2- ج : ایجاد تشکیلات مسئول صنایع تبدیلی
چنین سازمانی وظیفه اجرای سیاست های برنامه توسعه صنایع را به عهده دارد . با توجه به یکی از سیاستهای کلی که در ابتدا توضیح داده شد ، این مشی موداً بایستی به گونه ای باشد که روستائیان به اجرای برنامه ها ترغیب شوند . در واقع کارکنان این سازمان باید با چنین فلسفه ای کار کنند که خود کارگزار توسعه نیستند ، بلکه باید محیط روستا را برای تصمیم گیری و اجرای برنامه ها آماده سازند . این سازمان بر حسب مورد می تواند واحدهای تحقیقاتی یا مشاوره ای برای پاسخگویی به نیازهای مختلف خود تاسیس نماید .

3- ج : تاکید بر نظارت و ارزشیابی مستمر برنامه های توسعه صنایع تبدیلی

در همان حالی که توسعه کشاورزی و به تبع آن صنایع تبدیلی اهمیت می یابد ، بهبود نظام برنامه ریزی و اجرایی طرح ها و پروژه ها بیشتر مورد اعتنا قرار می گیرد . اما تجربه نشان داده است که برنامه ریزی ، ولو به بهترین شکل آن ، کافی نیست . زیرا طرح ها در چارچوب یک نظام اداری معمولاً بورکراتیک بایستی به اجرا در آیند که ممکن است با اهداف اولیه فاصله داشته باشد . از این رو نظارت و ارزشیابی برای طرح های توسعه روستایی کاری حساس و مهم است . زیرا از یک سو اطلاعات لازم را از طریق یک فرآیند بازخوری کارآمد فراهم می سازد ، تا به مدیریت طرح توانائی تدارک مناسب اجرایی طرح را بدهد ، از سوی دیگر ضعف های اجرایی طرح را آشکار و مشکلاتی که در مرحله برنامه ریزی پیش بینی نشده بود را می شناساند و به یافتن راه حل های آنها یاری می رساند . بنا براین برای تشخیص اینکه آیا وسائل انتخاب شده برای تحقق هدفهای طرح مناسبند یا نه و اینکه این هدفها با حداقل هزینه قابل تحقق هستند یا نه ، نظارت و ارزشیابی برنامه های صنایع روستایی ضرورت دارد . ولی در اینجا هم تأکید بر نقش مردم و نهادهای مردمی در نظارت و ارزشیابی اهمیت دارد .

4- ج : احداث مراکز خدمات فنی

واحدهای تولیدی که در برخی روستاهای یک منطقه ایجاد می شوند معمولاً نیاز به مراکز پشتیبانی دارند . این مراکز وظیفه انجام کارهای تعمیراتی ، تهیه ابزار و لوازم یدکی ، تأمین برخی مواد اولیه کمکی و یا ارائه خدمات مشاوره ای تولیدی را به عهده دارند . احداث این مراکز در صورتی که بر مبنای نظام سلسله مراتبی روستا ، یعنی در برخی از مراکز روستایی پر جمعیت و با پتانسیل بالایی خدماتی و تولیدی صورت گیرد می تواند از طریق گسترش دامنه فعالیت خود افراد زیادی را تحت پوشش خدماتی این مراکز قرار داده و به این ترتیب هم بازده سرمایه گذاری انجام شده بالا می رود ، هم بهره وری ساکنین روستاها افزایش می یابد .

5- ج : احداث مراکز آموزش فنی و حرفه ای

بهبود روش های تولید و کیفیت محصولات رابطه مستقیمی با میزان مهارت و تخصص فنی و مدیریتی دست اندرکاران صنایع روستایی دارد ، کمبود این مهارت ها در روستاها و همچنین ضرورت ارتقاء و ایجاد تنوع در مهارت ها ، احداث مراکز آموزش فنی و حرفه ای روستایی و کاربردی بودن برنامه های آن متناسب با نیازهای محلی و دور نمایی توسعه تکنولوژی و مدیریت واحدها را توصیه می کند . مزیت جنبی چنین آموزشهایی نیز اشاعه فرهنگ صنعتی در زندگی افراد روستاست ، که به نوبه خود روند مثبتی به تغییرات می دهد .

6- ج : ارائه تسهیلات مالی و اعتباری

کمک به تأمین اعتبارات و تخصیص وام های ارزان قیمت ، از طریق بانک ها و موسسات پولی و اعتباری ، یکی از سیاستهای حمایتی است که معمولاً در اکثر کشورها به اجرا گذاشته می شود و نقش مهمی را نیز در بوجود آمدن صنایع روستایی داشته است . ولی نکته با اهمیت مکانیزم پرداخت ، تضمین ونحوه بازپرداخت وامها می باشد . قابل ذکر است که افزایش تقاضا به خاطر پائین بودن نرخ بهره تسهیلات ، به عنوان یک عامل انگیزشی عمل نموده و سبب سهمیه بندی و در نتیجه کاهش سقف وام به هر واحد می باشد . چون اکثر واحدها معمولاً توان تأمین تمام سرمایه اولیه را ندارند و وام هم کافی نمی باشد . ناچار به بازارهای مالی غیر رسمی متوسل می شوند که این امر سود آوری واحد را کاهش داده و بعضاً نا توان از بازپرداخت تسهیلات می گردند و این به نوبه خود در ارتباط بانک ها با دیگر مشتریان تأثیر گذاشته و رغبت کمتری در پرداخت و در نتیجه طولانی شدن زمان رسیدگی به درخواست ها دارد که در نوع خود عوارض منفی را برای تولید کننده به همراه می آورد . بنابراین در اتخاذ سیاست تسهیلات مالی و اعتباری تمام جوانب باید سنجیده شود

7- ج : تغییر قوانین و مقررات در جهت حمایت از تولیدات صنایع روستایی
برای کمک به افزایش سود آوری و تدام کار واحد ها می توان برخی معافیت ها و
تخفیف های مالیاتی ، خرید های تضمینی و قیمت گذاری محصول را تا دوره مشخصی ، بعد از
سود آوری واحد ها اعمال کرد و یا در مواردی که واحد ها کالاهای صادراتی تولید می کنند
اعمال معافیت در زمینه برخی حقوق و مقررات گمرکی می تواند موثر باشد .

مجوزهای صادره صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی به تفکیک شهرستان تا پایان
شهریور 83

شهرستان	صنایع شیلات و آبزیان	صنایع زراعت و جنگل و مرتع	صنایع دام و طیور	صنایع باغی	جمع کل
زابل	4	51	23	4	82
زاهدان	-	12	12	4	28
خاش	-	5	4	2	11
سراوان	2	2	-	8	12
ایرانشهر	-	15	-	11	26
نیکشهر	-	5	-	4	9
سریاز	-	5	-	1	6
چابهار	73	-	-	3	76
جمع کل	79	95	39	37	250

* آمار مربوط به سازمان سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان می باشد .

پروانه های بهره برداری صادره صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی به تفکیک
شهرستان

شهرستان	صنایع شیلات و آبزیان	صنایع زراعت و جنگل و مرتع	صنایع دام و طیور	صنایع باغی	جمع کل
زابل	-	۲۰	۴	۰	۲۴
زاهدان	-	۶	۲	۱	۹
خاش	-	۲	۲	۰	۴
سراوان	۱	۰	۰	۱	۲
ایرانشهر	-	۳	۰	۲	۵
نیکشهر	-	۰	۰	۰	-
سریاز	-	۰	۰	۱	۱
چابهار	۲۰	۰	۰	۰	۲۰
جمع کل	۲۱	۳۱	۸	۵	۶۵

* آمار مربوط به سازمان سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان می باشد .

تعداد مجوزهای صنایع روستایی به تفکیک شهرستان تا پایان شهریور ۸۳

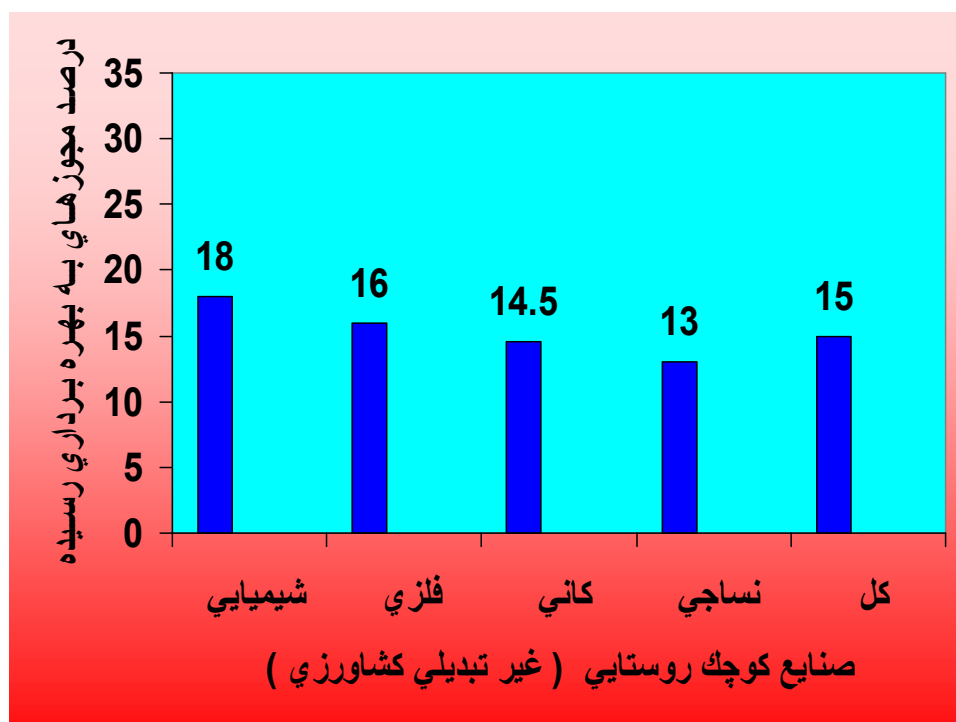
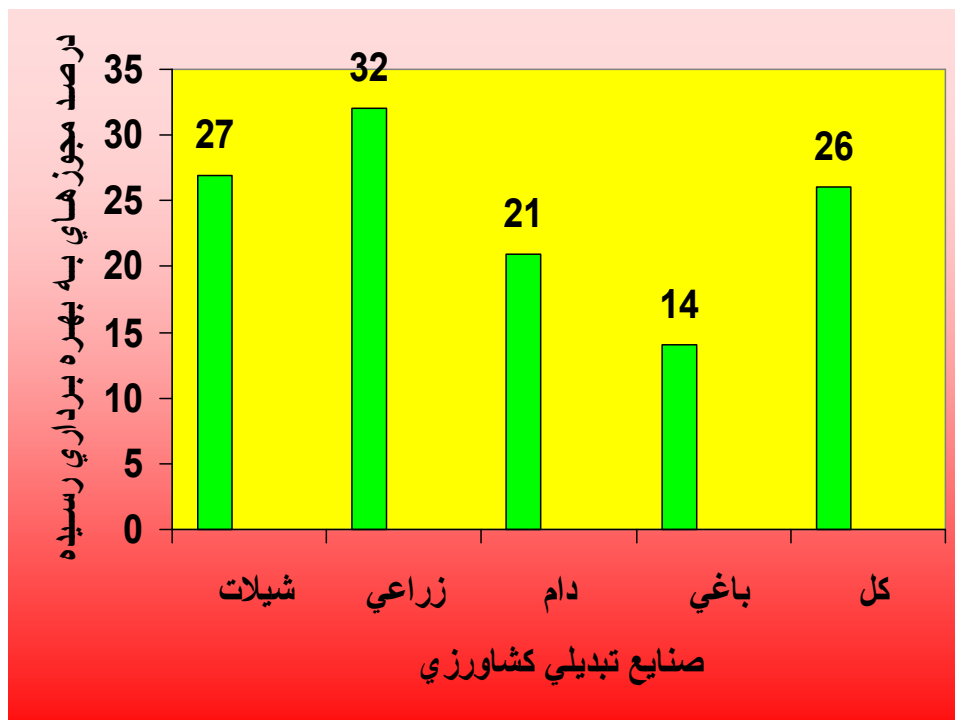
صنعت شهرستان	زابل	زاهدان	اخاش	سراوان	ایرانشهر	سرباز	نیکشهر	چابهار	جمع
شیمیایی و سلولوزی	۱۴	۸	۰	۶	۳	۲	۶	۵	۴۴
فلزی	۱۸	۴	۱۰	۵۵	۸	۲	۱۰	۲	۱۰۹
کاتی	۲۶	۵۲	۲۸	۵۱	۱۲	۱۷	۱۶	۴۰	۲۴۲
نساجی	۲۳	۱۷	۰	۱	۴	۰	۰	۲	۴۷
جمع	۸۱	۸۱	۳۸	۱۱۳	۲۷	۲۱	۳۲	۴۹	۴۴۲

* آمار مربوط به سازمان سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان می باشد .

تعداد پروانه های بهره برداری صنایع روستایی به تفکیک شهرستان تا پایان شهریور
۸۳

صنعت شهرستان	زابل	زاهدان	اخاش	سراوان	ایرانشهر	سرباز	نیکشهر	چابهار	جمع
شیمیایی و سلولوزی	۱	۴	۰	۲	۱	۰	۰	۰	۸
فلزی	۴	۰	۱	۱۱	۱	۰	۰	۰	۱۷
کاتی	۹	۱۰	۱	۷	۱	۲	۰	۵	۳۵
نساجی	۱	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶
جمع	۱۵	۱۹	۲	۲۰	۳	۲	۰	۵	۶۴

* آمار مربوط به سازمان سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان می باشد .



بررسی جداول مجوزهای صنایع روستایی (غیر تبدیلی کشاورزی) و صنایع تبدیلی کشاورزی نشان می‌دهد، با توجه به اینکه مواد اولیه صنایع تبدیلی کشاورزی در منطقه بوده و صنایع ایجاد شده در این زمینه در قطبهای کشاورزی بوده است درصد مجوزهای به بهره برداری رسیده این صنایع از صنایع غیر تبدیلی کشاورزی بیشتر است (26 درصد صنایع تبدیلی کشاورزی و 15 درصد صنایع غیر تبدیلی).

د: ایجاد نواحی صنعتی روستایی

یکی از سیاستهایی که در برخی کشورهای در حال توسعه به منظور ایجاد زیر بنای صنایع روستایی به کار گرفته شده است، ایجاد نواحی صنعتی روستایی است. این نواحی معمولاً با هدف های، تمرکز حساب شده صنایع، به نحوی که نیازمندی های ناحیه و منطقه را برطرف نماید، کاهش هزینه تولید و زنجیره ای کردن فعالیتهای تولیدی که توسعه و رشد آتی منطقه را در پی داشته باشد و بالا بردن کیفیت محصولات تولیدی که بازار فروش را گسترش دهد، ایجاد می شوند با احداث کلیه زیر بناها و امکانات مورد نیاز واحدها در این نواحی و ارائه خدمات جنبی نظیر مراکز اطلاع رسانی، بازار یابی، فروش و... سعی شده که اهداف فوق محقق گردد. نظر به نقش و اهمیت نواحی صنعتی روستایی در این گزارش، سعی شده است انواع این نواحی و کارکردهای آن به تفصیل بیان شود.

1- د: ویژگیها و خصوصیات نواحی صنعتی

[تعریف: ناحیه صنعتی معادل واژه انگلیسی Industrial Estates است که در ادبیات اقتصادی به نامهای مختلفی ترجمه و تفسیر شده است و مراد از آن فضاهایی است که واحدهای صنعتی را به اشکال و اندازه های مختلف و با کارکردهای متفاوت گرد هم می آورند.] (5)
ناحیه صنعتی روستایی قطعه زمینی است که عمران شده که در یک موقعیت مناسب (از نظر مرکزیت داشتن به چند روستا) استقرار یافته و جهت احداث صنایع تبدیلی و روستایی بر اساس طرح جانمایی و مقررات خاص ایجاد و اداره میگردد و قبل از احداث ناحیه صنعتی تمامی استعلامهای مورد نیاز از ادارات ذیربط گرفته شده و در حد امکان با استفاده از بودجه های دولتی یا بصورت خود یاری تاسیسات زیر بنایی از قبیل آب - برق - جاده و... برای آن ایجاد میگردد.

اهداف ایجاد ناحیه صنعتی روستایی:

- 1- کمک به توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی و محروم کشور
- 2- کمک به ایجاد و توسعه صنایع کوچک و تبدیلی مناسب روستا
- 3- بالا بردن میزان اشتغالزایی در مناطق روستایی و جلوگیری از مهاجرت بی رویه
- 4- کاهش گردش کار اداری و اخذ استعلامات از ادارات مختلف
- 5- کاهش هزینه های ثابت سرمایه گذاری از طریق تامین بخشی از امکانات زیر بنایی
- 6- تقویت ارتباط بین واحدهای تولیدی مستقر در ناحیه و مبادله اطلاعات فنی و مشاورهای بین آنها
- 7- دسترسی آسان به امکانات زیربنایی از قبیل آب، برق، جاده
- 8- جلوگیری از آلودگیهای زیست محیطی
- 9- جلوگیری از تخریب بی رویه زمینهای منابع ملی و بویژه زمینهای کشاورزی

وضعیت نواحی صنعتی روستایی استان

نام ناحیه	شهرستان	مساحت (هکتار)	سال شروع	وضعیت
پسابندر	چابهار	۱۰ هکتار	۱۳۷۶	بهره برداری
بریس	چابهار	۵ هکتار	۱۳۷۳	بهره برداری
نگور	چابهار	۱۰ هکتار	۱۳۸۲	در حال احداث
زهک	زابل	۱۰ هکتار	۱۳۷۲	بهره برداری
نوگ آباد	خاش	۱۰ هکتار	۱۳۸۲	در حال احداث
دلگان	ایرانشهر	۱۰ هکتار	۱۳۸۲	در حال احداث
سوران	سراوان	۳/۵ هکتار	۱۳۷۳	بهره برداری

* آمار مربوط به سازمان سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان می باشد .

تعداد مجوزها و واحدهای به بهره برداری رسیده نواحی صنعتی روستایی استان

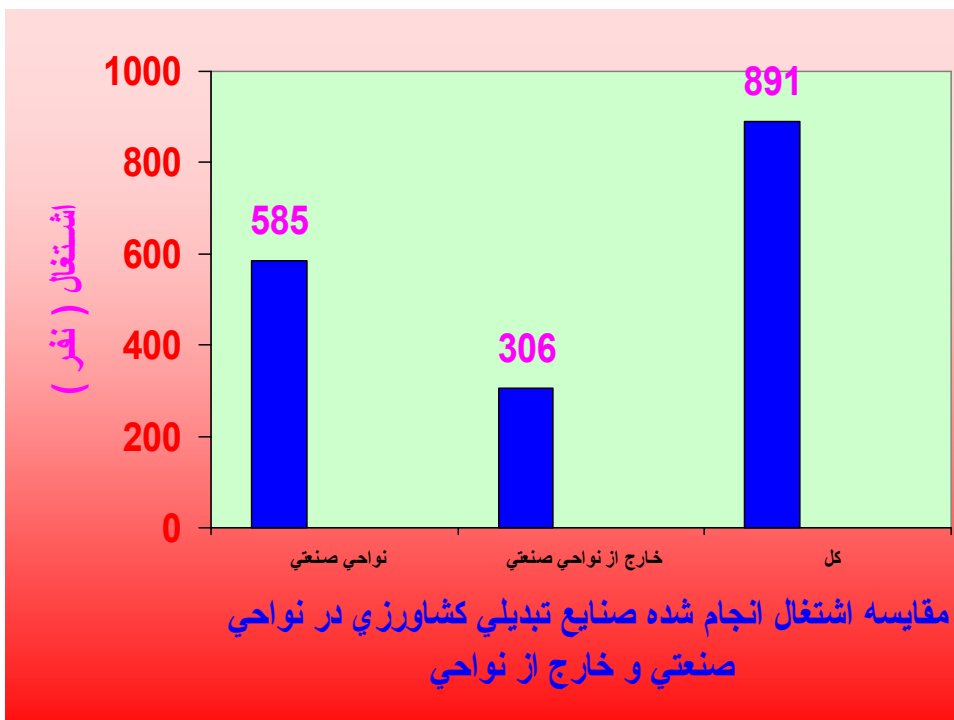
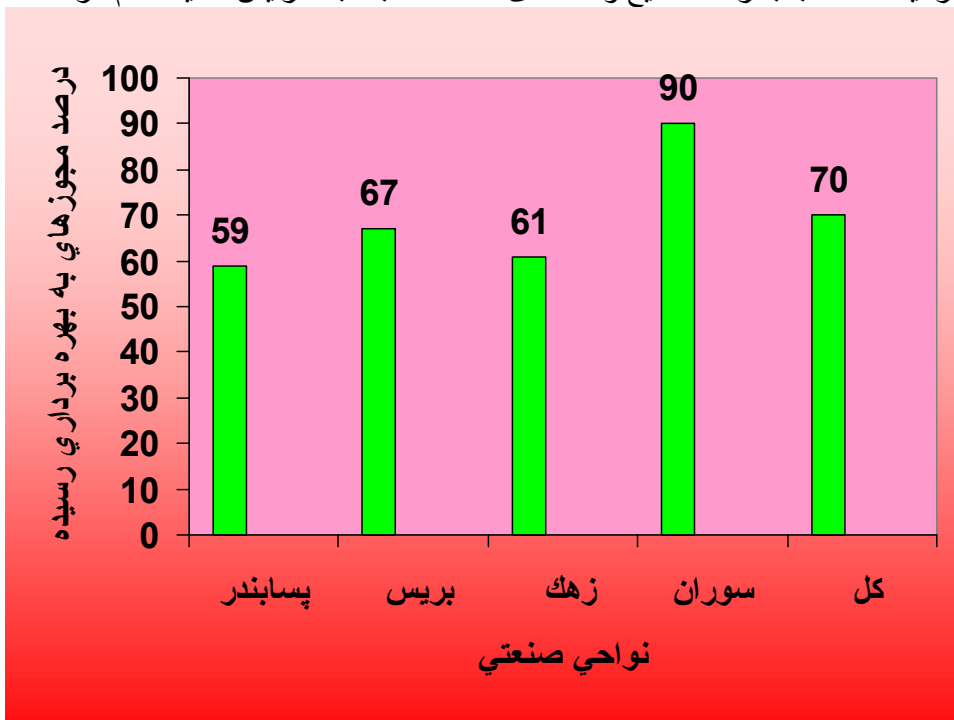
نام ناحیه	تعداد مجوزهای صادره	تعداد واحدهای به بهره برداری رسیده
پسابندر	۱۷	۱۰
بریس	۱۲	۸
زهک	۱۸	۱۱
سوران	۲۰	۱۸
کل	۶۷	۴۷

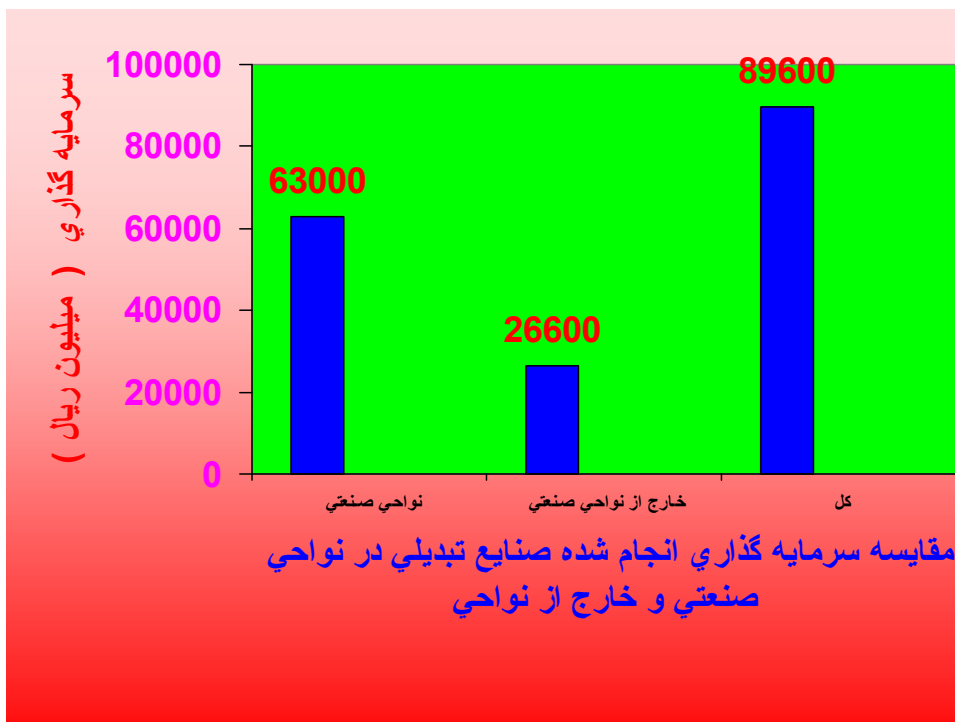
* آمار مربوط به سازمان سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان می باشد .

نکاتی راجع به نواحی صنعتی روستایی استان
در خصوص نواحی صنعتی ایجاد شده در قطبهای شیلاتی و کشاورزی می توان گفت
که سرمایه گذاری و زیربنایی توسط دولت با اعتبار کم انجام شده و بخش خصوصی با
اعتبارات هنگفت سرمایه گذاری انجام داده اند بعنوان مثال می توان گفت کل سرمایه گذاری

دولتی انجام شده در بریس 320 میلیون ریال است که سرمایه گذاری بخش خصوصی بیش از 30 میلیارد ریال می باشد .

یکی دیگر از خصوصیات نواحی صنعتی کوچک بودن مساحت این نواحی است که در استان با مساحت‌های 5 تا 10 هکتار اجرا شده‌اند که این مساحت کم زمان اجرا و هزینه را به میزان کافی پایین می آورد و در صورت نیاز به زمین‌های بیشتر می توان توسعه آن را در نظر گرفت و در آینده متناسب با رشد صنایع و تقاضای صنعت نسبت به افزایش ناحیه اقدام کرد .





بانگاهی به جداول درصد مجوزهای به بهره برداری رسیده، میزان اشتغال و سرمایه گذاری در نواحی صنعتی می توان نتیجه گرفت که زمان به بهره برداری رسیدن واحدها در نواحی صنعتی کوتاه است و خیلی زودتر از واحدهای خارج از نواحی به بهره برداری می رسند . (مقایسه 70 درصد واحدهای به بهره برداری رسیده در نواحی با 26 درصد واحدهای خارج از نواحی) همچنین مقایسه اشتغال ایجاد شده در نواحی که 585 نفر از 891 نفر در خصوص صنایع تبدیلی کشاورزی می باشد به این نتیجه می رسیم که با توسعه و ایجاد نواحی صنعتی و آماده کردن زیر ساخت لازم در قطبهای کشاورزی زمینه ایجاد اشتغال و تولید در روستا فراهم می شود .

مراجع :

1. دفتر همکاری های علمی و بین المللی دانشگاه اصفهان ، چهارمین دوره مقاله نویسی علمی ، بهمن 69، 211
2. سازمان برنامه و بودجه اصفهان ، بررسی ایجاد و توسعه صنایع روستایی ، اسفند 64، 16
3. واحد آمار و برنامه ریزی جهاد سازندگی ، نقش صنایع روستایی در ایجاد اشتغال ، آبان 67
4. رحیمی ، عباس « تبیین ویژگیهای صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی » تهران - دانشگاه علامه طباطبائی ، 1383
5. مطالعه ، بررسی ، ارزیابی و نقد عملکرد 170 ناحیه صنعتی روستایی کشور - مهندسین مشاور ورز بوم - تهران ، 1379